

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

تیمور شاه تیموری

المان - شهرک زین

دوم اپریل 2013

فرشته

شب به خوابم فرشته من بود	حُله ای از بهشت بر تن بود
چون صبا آمد و نشست بزم	برد دست نوازشی به سرم
سوی او دیدم و نظر کردم	دیده با اشک گرم تر کردم
خوشنما با جمال بی همتا	نور رحمت ز چهره اش پیدا
گفتمش ای فدای تو جانم	ای گُل مهلقای بُستانم
سالها بوده ای تو دور از من	دوریت برده هر سرور از من
مرده ام زین فراق و زین دوری	شده ام ناتوان ز مهجوری
تویی آن مخزن امید و وفا	بهر من رحم کن برای خدا
من بیدل نزار و زار تو ام	مرده ام بس که بیقرار توام
چون که با من محبتی کردی	آمدی و رفاقتی کردی
آن چنانی که بودی دور از من	مدتی باش در حضور از من
تا ز بوی مشام تازه کنم	تا ز رویت بهار زنده کنم

سر به پایت نهم به روی زمین بکنم خدمتت به هر آئین
همچو جان گیرمت در آغوشم همه غمها شود فراموشم
زین سخن چهره اش مکرر شد بی مُحابا دو دیده اش تر شد
گفت من هم همیشه غمگینم یک محبت ز کس نمیبینم
عمر من بود فرقت و دوری زندگی کرده ام به مهجوری
کس نمیکرد گاهی پرسانم این همه غصه در دل و جانم
اینک از قید پیکر آزادم شادمانم، همیشه دلشادم

چون همه اشتباه از من بود

هرچه گفتم زبانم الکن بود